

وزارت علوم و تحقیقات اسلامی

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی



IMAM KHOMEINI  
INTERNATIONAL UNIVERSITY

دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی

گروه فلسفه و حکمت اسلامی

**شک و یقین در آراء ویتگنشتاین و نقد و بررسی آن از منظر حکمت متعالیه**

پایان نامه: جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته فلسفه و حکمت اسلامی

دانشجو:

خدیجه اصلی بیگی

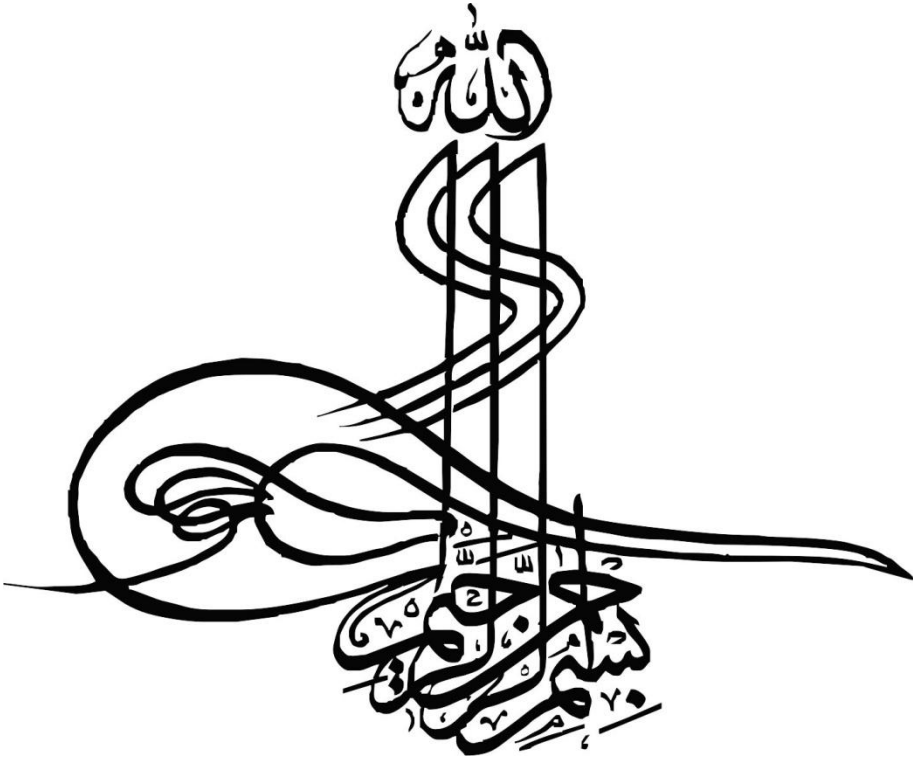
استاد راهنما:

دکتر محمد صادق زاهدی

استاد مشاور:

دکتر مجید ملایوسفی

بهمن ۱۳۹۱



پدر و مادرم

به پاس تعبیر عظیم و انسانی شان از کلمه ایثار و از خودگذشتگی

به پاس عاطفه سرشار و گرمای امید بخش وجودشان که در این سردترین روزگار ان بهترین پشتیبان است

به پاس قلب های بزرگشان که فریادرس است و سرگردانی و ترس در پناهشان به شجاعت می گراید

و به پاس محبت های بی دینشان که هرگز فروکش نمی کند

## تقدیر و شکر:

به مصداق «من لم یسکر المخلوق لم یسکر الخالق» بسی شایسته است از استاد

فربخته و فرزانه جناب دکتر زاهدی که بارها بنی‌های را احکامات ایشان در تمام مراحل نخلش، همواره راه را بر من آسان نمودند و با صبر و نکته‌سنجی  
های زرینی که به کار گرفتند چگونه اندیشیدن را، نه چگونگی اندیشه را راه من آموختند. و به‌سینطور از جناب دکتر تلایوسفی که مشاوره این پیمان  
نامه را بر عهده گرفتند و از هیچ تلاشی دریغ ننموده و در طی این شش‌ساله که از محضر درس ایشان بهره‌بردم درس زندگی، صبر و اخلاق را

آموختم، تقدیر و شکر نمایم.

(دیزکیم و به‌علمم الکتاب و الحکم)



فرم تأییدیه هیأت داوران جلسه دفاع از پایان نامه / رساله

بدین وسیله گواهی میشود جلسه دفاعیه از پایان نامه کارشناسی ارشد / دکتری سید سیمین اصبحی سید  
دانشجوی رشته پایان نامه اساتذگی اساتذگی تحت عنوان بررسی و تحلیل بررسی و تحلیل بررسی و تحلیل  
در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۱۳ در دانشگاه برگزار گردید و این پایان نامه با نمره ۴۸ و درجه مستوفی مستوفی مستوفی تایید هیئت  
داوران قرار گرفت.

ردیف	سمت	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه یا مؤسسه	اعضا
۱	استاد راهنما	دکتر زاهدی			
۲	استاد مشاور	دکتر صدیقی			
۳	داور خارج	—			
۴	داور داخل	دکتر حاجی میرزا			
۵	نماینده تحصیلات تکمیلی	دکتر سید محسن حسینی			

بسمه تعالی

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی



دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)  
معاونت آموزشی دانشگاه - مدیریت تحصیلات تکمیلی

تعهد نامه اصالت پایان نامه

اینجانب خبر عبدالمجید دانشجوی رشته حقوق مقطع تحصیلی دکتری نام سید بدین وسیله اصالت کلیه مطالب موجود در مباحث مطروحه در پایان نامه / تز تحصیلی خود، با عنوان تأثیرات حقوقی بر... را تأیید کرده، اعلام می‌نمایم که تمامی محتوی آن حاصل مطالعه، پژوهش و تدوین خودم بوده و به هیچ وجه رونویسی از پایان نامه و یا هیچ اثر یا منبع دیگری، اعم از داخلی، خارجی و یا بین‌المللی، نبوده و تعهد می‌نمایم در صورت اثبات عدم اصالت آن و یا احراز عدم صحت مفاد و یا لوازم این تعهد نامه در هر مرحله از مراحل منتهی به فارغ‌التحصیلی و یا پس از آن و یا تحصیل در مقاطع دیگر و یا اشتغال و ... دانشگاه حق دارد ضمن رد پایان نامه نسبت به لغو و ابطال مدرک تحصیلی مربوطه اقدام نماید. مضافاً اینکه کلیه مسئولیت‌ها و پیامدهای قانونی و یا خسارت وارده از هر حیث متوجه اینجانب می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو امام  
امضاء و تاریخ ۱۴۹۲/۴/۱۵

## چکیده

این پایان نامه به نسبت شک و یقین و محدوده‌ی معرفت در آراء ویتگنشتاین متقدم و متأخر می‌پردازد و در پایان آراء وی را در این زمینه با تکیه بر معرفت‌شناسی حکمت متعالیه مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. مساله شک و یقین تمامی آثار ویتگنشتاین، از تراکتاتوس تا در باب یقین را در بر می‌گیرد. ویتگنشتاین متقدم با ساخت یک نظام فلسفی بر پایه منطق، به حدود معرفت و تعیین مرز معناداری و بی‌معنایی زبان می‌اندیشد. او با پذیرش رابطه تصویرگری میان زبان و جهان، عرصه معرفت را به حدود زبان مقید می‌کند و بدین سان معنادار بودن یک گزاره به تصویر پردازی و واقع‌نمایی آن وابسته می‌شود. از آن جا که محتوای گزاره‌های اخلاقی، دینی، منطقی، ریاضیات، متافیزیک و حتی کل رساله قابل‌تصویری نیستند، از عرصه معنا داری خارج و بی‌معنا یا مهمل انگاشته شده و تنها علوم طبیعی معرفت بخش قلمداد می‌شوند.

ویتگنشتاین در دوره دوم حیات فکری خود از نظریه پیشین عدول می‌کند و به جای آن نظریه‌ی کاربردی معنا را مطرح می‌کند که در آن معنا داری در پیوند با بازی زبانی مطرح می‌شود. در این نظریه، یک تعبیر هنگامی معنا دار تلقی می‌شود، که در بازی زبانی خود به درستی به کار رود. بر همین اساس شک و یقین هر کدام بازی زبانی خود را اقتضا می‌کند. ویتگنشتاین متأخر معرفت و یقین را دو مقوله مجزا از هم دانسته و یقین را مقدم بر معرفت می‌داند که ریشه در عمل و نه معرفت دارد. به باور وی صورت ابتدایی بازی زبانی یقین است، که بی‌نیاز از هرگونه توجیه و دلیل است.

معرفت‌شناسی حکمت متعالیه اگر چه از جهت مبانی با رویکرد ویتگنشتاین متقدم مشترک است با این حال از حیث نتایجی که ویتگنشتاین از نظریه تصویرگری زبان خود می‌گیرد، با دیدگاه‌های وی درباره‌ی گزاره‌های اخلاقی و الهیات تفاوت دارد. علاوه بر این در ویتگنشتاین متأخر، اگر چه استدلال‌هایی علیه شکاکیت مطرح می‌شود، اما به دلیل رویگردانی ویتگنشتاین از رویکرد واقع‌گرایانه در دوره‌ی دوم فلسفی خود، مبانی او در مخالفت با شکاکیت با حکمت متعالیه متفاوت است.

واژه‌های کلیدی: نظریه تصویرگری معنا؛ نظریه کاربردی معنا؛ شک؛ یقین؛ عمل؛ بازی زبانی؛ زمینه‌گرایی؛ باورهای پایه؛ ویتگنشتاین؛ مور؛ دکارت؛ مبانی معرفت.

## فهرست مطالب

عنوان..... صفحه

### فصل اول: کلیّات:

- ۱- مقدمه ..... ۲
- ۲- تعریف مساله: ..... ۳
- ۳- سوالهای اصلی تحقیق: ..... ۵
- ۴- فرضیه های اصلی تحقیق: ..... ۵
- ۵- سوابق پژوهشی موضوع: ..... ۵
- ۶- بیان روش و مراحل انجام تحقیق: ..... ۶
- ۷- نگاهی بر فصلهای تحقیق: ..... ۶
- ۸- تعریف شکاکیت: ..... ۷
- ۹- ادوار و مراحل شکاکیت: ..... ۸
- ۹-۱- شکاکان باستان: ..... ۸
- ۹-۱-۱- جرقه شکاکیت: ..... ۸
- ۹-۱-۲- پیدایش سوفیسم: ..... ۹
- ۹-۱-۳- شکاکیت پیرهونی: ..... ۱۰
- ۹-۱-۴- شکاکیت آکادمیک: ..... ۱۰
- ۹-۲- شکاکیت در قرون وسطی: ..... ۱۱
- ۹-۳- شکاکیت در دوره جدید: ..... ۱۱



## فهرست مطالب

- ۱-۳-۹- شکاکیت مونتنی: ..... ۱۲
- ۲-۳-۹- شکاکیت دکارتی: ..... ۱۲
- ۳-۳-۹- شکاکیت هیومی: ..... ۱۳
- ۴-۹- شکاکیت معاصر: ..... ۱۵
- ۱-۱۰- اقسام شکاکیت: ..... ۱۶
- ۱-۱۰- شکاکیت عام: ..... ۱۶
- ۲-۱۰- شکاکیت خاص: ..... ۱۶
- ۳-۱۰- شکاکیت استدلالی: ..... ۱۷
- ۴-۱۰- شکاکیت استفهامی: ..... ۱۸
- ۵-۱۰- شکاکیت طرز تلقی: ..... ۱۸
- ۱۱- یقین: ..... ۱۸
- ۱-۱۱- انواع یقین: ..... ۱۹
- ۱-۱-۱۱- یقین گزاره ای، معرفت شناختی، منطقی: ..... ۱۹
- ۲-۱-۱۱- یقین روانشناختی: ..... ۱۹
- ۳-۱-۱۱- یقین اخلاقی: ..... ۱۹

### فصل دوم: نسبت شک و یقین در ویتگنشتاین متقدم:

- ۱- مقدمه: ..... ۲۲
- ۲- منابع تاثیر گذار در فلسفه ویتگنشتاین: ..... ۲۲

## فهرست مطالب

- ۳- جهان از دید ویتگنشتاین متقدم: ..... ۲۸
- ۴- رابطه زبان و جهان در رساله: ..... ۳۲
- ۵- نظریه تصویری معنا: ..... ۳۳
- ۶- گزاره: ..... ۳۶
- ۶-۱- گزاره های با معنا: ..... ۳۹
- ۶-۲- گزاره های بی معنا: ..... ۴۰
- ۶-۱-۲- گزاره های منطقی: ..... ۴۱
- ۶-۲-۲- گزاره های ریاضی: ..... ۴۲
- ۶-۲-۳- گزاره های علوم طبیعی: ..... ۴۳
- ۶-۳- گزاره های مهمل: ..... ۴۴
- ۶-۱-۳- گزاره های فلسفی: ..... ۴۴
- ۶-۲-۳- گزاره های ارزشی: ..... ۴۶
- ۷- نتیجه گیری: ..... ۴۹

### فصل سوم: نسبت شک و یقین در ویتگنشتاین متاخر:

- ۱- مقدمه: ..... ۵۳
- ۲- دکارت: ..... ۵۴
- ۲-۱- روش دکارت: ..... ۵۴
- ۲-۱-۱- شک های معمولی: ..... ۵۶

## فهرست مطالب

- ۲-۱-۲- شک های فرضی یا افراطی: ..... ۵۷
- ۲-۲- براهین دکارت برای اثبات شک: ..... ۵۸
- ۱-۲-۲- برهان خطاپذیری حواس یا ادراک حسی: ..... ۵۸
- ۲-۲-۲- برهان رؤیا: ..... ۵۸
- ۳-۲-۲- برهان شیطان فریبکار: ..... ۶۱
- ۳-۲- کوجیتو: بنیاد یقین و رهایی از شک: ..... ۶۱
- ۴-۲- نقد و بررسی استدلال دکارت علیه شکاکیت: ..... ۶۶
- ۴-۲-۱- نقد چ. س. پیرس: ..... ۶۷
- ۴-۲-۲- نقد جرج ادوارد مور بر دکارت: ..... ۶۷
- ۳- جرج ادوارد مور: ..... ۶۹
- ۱-۳- استدلال مور علیه ایده آلیسم و شک گرایی: ..... ۷۰
- ۲-۳- اصل تحلیل مور: ..... ۷۲
- ۳-۳- برهان عالم خارج: ..... ۷۳
- ۴-۳- در اینجا دو دست وجود دارد: ..... ۷۶
- ۴- شک و یقین در ویتگنشتاین متاخر: ..... ۸۱
- ۱-۴- نظریه کاربردی معنا: ..... ۸۱
- ۲-۴- بازیهای زبانی: ..... ۸۵
- ۳-۴- استدلال ویتگنشتاین علیه دکارت: ..... ۸۷

## فهرست مطالب

- ۴-۴- استدلالات تبعیت از قاعده: ..... ۸۹
- ۴-۵- استدلالات زبان خصوصی: ..... ۹۰
- ۴-۵-۱- تفسیر کریپکی از زبان خصوصی: ..... ۹۲
- ۴-۵-۲- ارزیابی تفسیر کریپکی: ..... ۹۷
- ۴-۶- نقد ویتگنشتاین بر "من می دانم" مور: ..... ۹۸
- ۴-۷- یقین: ..... ۱۰۲
- ۴-۷-۱- شرح گزاره ای و غیر گزاره ای از یقین: ..... ۱۰۲
- ۴-۷-۲- یقین عینی: ..... ۱۰۷
- ۴-۷-۲-۱- یقین عینی به عنوان مقوله جزم گرایانه: ..... ۱۱۲
- ۴-۷-۲-۲- یقین عینی همچون گرایش جزم گرایانه: ..... ۱۱۳
- ۴-۸- فسخ ادعا های معرفتی: ..... ۱۱۸
- ۴-۹- ساختار مبانی معرفت و عدم امکان شک فراگیر: ..... ۱۲۱
- ۴-۱۰- زمینه گرایی پاسخی به شکاکیت: ..... ۱۲۸
- ۴-۱۱- توجیه معیاری: راهی برای گریز از نوعی شکاکیت: ..... ۱۳۳
- ۵- کواین و شکاکیت معنایی: ..... ۱۳۶
- ۵-۱- ترجمه ریشه ای: ..... ۱۳۷
- ۵-۲- عدم تعیین معنا: ..... ۱۳۸
- ۵-۳- تقسیم کواین از جمله ها: ..... ۱۴۰

۱۴۲..... ۴-۵- کواین و شکاکیت: .....

## فهرست مطالب

۱۴۴..... ۱-۴-۵- پاسخ کواین به شک گرایی نسبت به جهان خارج: .....

۱۴۶..... ۶- ارزیابی کواین و ویتگنشتاین: .....

۱۴۷..... ۷- نتیجه گیری: .....

## فصل چهارم: نقدهای آرا ویتگنشتاین از منظر حکمت متعالیه:

۱۵۰..... ۱- مقدمه: .....

۱۵۰..... ۲- معرفت حقیقی: .....

۱۵۰..... ۱-۲- علم حضوری و حصولی: .....

۱۵۱..... ۲-۲- علم گزاره ای و مفهومی: .....

۱۵۲..... ۳- تبیین تئوری مطابقت: .....

۱۵۲..... ۴- رد ادله شکاکیت فراگیر: .....

۱۵۴..... ۵- راه وصول علم: .....

۱۵۶..... ۶- ادراکات اعتباری و حقیقی: .....

۱۵۷..... ۷- یقین از دیدگاه حکمت متعالیه: .....

۱۵۸..... ۸- نقد: .....

۱۵۸..... ۱-۸- نقدهای حکمت متعالیه بر ویتگنشتاین متقدم: .....

۱۶۱..... ۲-۸- نقدهای حکمت متعالیه بر ویتگنشتاین متاخر: .....

۱۶۵..... نتیجه گیری نهایی: .....



## فصل اول:

### کلیات

علم و معرفت، یکی از مهمترین و اساسی ترین نیاز بشریت و جاودانه ترین راز هستی است، که عمری به درازای تمامی نسلهای بشری دارد و در کانون توجه فلاسفه شرق و غرب واقع شده و یکی از مهمترین دغدغه های فکری آنها شده است. شکی در این نیست، که در معرفت شناسی با وجود گستردگی و تنوع ابعاد در عرصه های گوناگون باز هم شک و تردید در امکان معرفت و اینکه آیا در اصل می توان چیزی را شناخت، مهمترین جایگاه را در مباحث معرفت شناسی به خود اختصاص داده است. در پی این سوال، سوالات دیگری نیز در اندیشه ی بشری نقش می بندد، که عبارتند از: از کجا بدانیم که نسبت به واقعیات معرفت یافته ایم؟ از کجا بدانیم که معرفتمان نسبت به واقع معرفت صحیحی است؟ آیا برای دانستن اینکه به معرفت خود علم داریم، نیازمند معرفت دیگر نیستیم؟ این سوالات و سوالاتی که در این حیطه فکری جای دارند، تحت عنوان امکان معرفت مورد ارزیابی قرار می گیرند. در ادوار تاریخ فلسفه، از گذشته های بسیار دور از دوره یونان باستان افراد در مقابل امکان معرفت به دو دسته تقسیم شدند: دسته ای امکان شناخت یقینی را ممکن شمرده و معرفت را دست یافتنی قلمداد کرده اند و در مقابل افرادی که نتوانسته گره از این مسایل معرفتی بگشایند، بستر شک و شک گرایی را گشوده اند. شکاکیت در طول تاریخ موافقان و مخالفانی را به خود دیده است. در تاریخ فلسفه ما بارها و بارها شاهد چالش میان شک و معرفت بوده ایم و شاید اگر این موج شک گرایی در تاریخ علم رخ نمی داد، معرفت شناسی به یک امر فرضی و پنداشته ذهن بشر مبدل می شد. همچنانکه، لارنس بونجور بیان می دارد: اگر شک گرایان وجود نداشتند کسانی که با جدیت به معرفت شناسی می پردازند، باید آنها را به طور فرضی می آفریدند.<sup>۱</sup> در ادوار تاریخ فلسفه، فیلسوفان زیادی به پا خاسته و بر آن شدند تا بر شک گرایی فایق آیند و معرفت را در جهان سایه گستر کنند، اما غافل از اینکه خود در ورطه شکاکیت فرو افتادند. از جمله این فیلسوفان که در صدد پاسخ گویی به شکاکیت بر آمدند به افرادی مانند دکارت، مور و ویتگنشتاین می توان اشاره کرد، که به نظر می رسد ویتگنشتاین در طی این مسیر موفق تر عمل نموده و در راه وصول به یقین نسبت به فیلسوفان پیش از خود عملکرد قابل قبول تری را از خود نشان داده است. در ارزش و اهمیت ویتگنشتاین همین بس که او تحول و چرخش عظیمی در فلسفه غرب به وجود آورد. او ذهن منحصر به فردی داشت به گونه ای که دوبار در

<sup>۱</sup>Bonjour, Laurence. *Structure of Empirical Knowledge*, Cambridge:Harvard University Press. 1985

.pp.14-15.



دوران حیات فکری خود انقلابی به پا کرد، او با نگارش کتاب درباب یقین، بسیاری از مسایل معرفتی را که ذهن بشر را آشفته بود و مشغله فکری او از سالیان مدید شده بود، رهانید و نگرش ما را نسبت به شک و یقین تغییر داد. او دو سیر فکری کاملاً مجزا از هم نسبت به شک و یقین داشت، به گونه ای که نگرش وی نسبت به شک و یقین در دوره اول با نگرش او در دوره دوم متفاوت است. در دوره اول حیات فکری نظریه ی خاص خود درباره ی معنا داری گزاره ها به عنوان نظریه تصویری را ساخته و پرداخته کرد. نظریه ای که زبان را تصویری از حقایق موجود در جهان می دانست که بر طبق آن هر گزاره ای و هر لفظی در خارج معنا دارد و هر لفظی و هر گزاره ای نمایانگر یک واقعیت خارجی ست. وی در رساله تلاش می کند تا مرز میان گزاره های معنادار و بی معنا را مشخص کند، یعنی وی میان مسایلی که به بیان می آیند و آنهایی که نشان داده می شوند، خط تمایزی قاطع رسم می کند و معناداری را در ارتباط تنگاتنگ با واقع می داند. اما در دوره دوم نظریه کاربردی معنا را مطرح می کند، که معنای کلمات را همان کاربرد آنها در موقعیت های مختلف می داند. ما، در این رساله برآنیم تا ببینیم که آیا شناخت یقینی از دیدگاه ویتگنشتاین امکان پذیر است یا اینکه اساساً چنین شناختی ناممکن و غیر قابل تحقیق است؟ آیا ویتگنشتاین در دو دوره فکری خود توانسته پاسخ قاطعی به شکاکیت دهد؟ او وصول به یقین را از چه راههایی امکان پذیر می داند؟ نسبت شک و یقین در اندیشه او چگونه است؟ نگرش ویتگنشتاین نسبت به شک و یقین چه به صورت سلبی و چه به صورت ایجابی مورد نقدهایی از سوی فلاسفه واقع می شود، گروهی او را در پاسخ گویی به شکاکیت موفق می بینند و به زعم گروهی او در یافتن این راه هرگز موفق عمل نکرده و خود در شکاکیت واقع شده است.

## ۲- تعریف مساله:

شک و یقین، نقش به سزایی در قلمرو معرفت شناسی ایفا می کند و یکی از هسته های اصلی مباحث معرفت شناسی می باشند، که در کانون توجه فلاسفه اسلام و غرب واقع شده اند. در حوزه ی اسلامی، اغلب فیلسوفان مسلمان دستیابی به یقین را باور داشته و تمامی مباحث خود را با این پیش فرض ترسیم کرده و پی گرفته اند. در طول تاریخ علم در مورد شک و یقین دیدگاههای متفاوتی صورت گرفته، برخی از فیلسوفان معرفت یقینی را امکان پذیر دانسته و تلقی آنها از یقین معرفت قطعی ست که پس از تردید حاصل می شود و برخی دیگر معرفت یقینی را معرفتی مطابق با واقع ترسیم کرده که احتمال نقیض آن به طور کامل منتفی بوده و مسبوق به استدلال می باشد. در عرصه شک نیز گاه فیلسوفان در دفاع از آن بر آمده و منکر هرگونه شناختی نسبت به واقع شده

اند و برخی دیگر از موضع انتقاد به آن نگریسته اند. در دایره المعارف های فلسفی، معمولاً یقین را به دو دسته یقین معرفت شناختی و روان شناختی تقسیم می کنند، هر چند که علاوه بر این دو مورد تقیسمات دیگری نیز در عرصه یقین صورت گرفته است، اما آنچه که مدّ نظر این رساله است، یقین معرفت شناسی می باشد و در تقابل با یقین تقیسمات متفاوتی از شک نیز صورت گرفته، که شک معرفت شناسی در این رساله مورد ارزیابی واقع خواهد شد.

فیلسوفان معاصر غرب، در مورد مساله یقین، رویکرد یگانه ای اتخاذ نکرده اند، هسته اختلاف نظر در میان فلاسفه ی غرب همچون فلاسفه اسلامی، ملازمت یا عدم ملازمت میان معرفت و یقین است. برخی همچون عقل گرایان و شکاکان ملازمت معرفت و یقین را می پذیرند و برخی مانند تجربه گرایان از در مخالفت با آن بر می آیند. لودویگ ویتگنشتاین از جمله فیلسوفان تحلیلی زبان می باشد که مساله شک و یقین تمام آثار او را تحت تاثیر خود قرار داده، از خودباوری در تراکتاتوس، تا پیروی از قاعده در پژوهش ها پیش می رود. ویتگنشتاین واشکافتن این موضوع را از اهداف خود قرار می دهد. او در کتاب درباب یقین، درصدد بر آمده که بسیاری از مسایل معرفت شناسی از جمله امکان دستابی به معرفت، حدود معرفت و سوالات شکاکانه ای که اندیشه بشر را مخدوش کرده بزداید. ویتگنشتاین یقین و معرفت را دو مقوله مجزا از هم می داند، او یقین را ورای معرفت می داند که ریشه در عمل و نه معرفت دارد. ویتگنشتاین توصیف عالم را بدون وجود تعدادی قضایای مبنایی و یقینی غیر ممکن می داند. اما قطعیت و یقینی بودن این قضایا به معنای مطابقت با واقع نیست، بلکه به طرز نگرش افراد بستگی دارد. از نظر وی آنچه برای ما محرز و یقینی ست، به وسیله بازی زبانی که فرد در آن شرکت می جوید، معین می شود. ویتگنشتاین ادعان می کند، همان طوری که یقین بازی زبانی خود را می طلبد، شک نیز در بازی زبانی خود معنا دار است. او شک را مستلزم یقین می داند. به اعتقاد او کودک با یقین و اعتماد صرف به بزرگترها شروع به یادگیری می کند و تردید در مرحله بعد آغاز می شود. ما، در این رساله نسبت شک و یقین را در آرای ویتگنشتاین مورد ارزیابی قرار خواهیم داد تا ببینیم که عملکرد او در این راه تا چه حد موفقیت آمیز بوده و آیا او توانسته گره از مسایل معرفتی بگشاید یا که خود در ورطه شکاکیت سقوط کرده است. برداشت جدیدی که او نسبت به شک و یقین اتخاذ کرده، را می توان با توجه به دو کتاب مهم وی رساله منطقی- فلسفی و کتاب درباب یقین بازسازی کرد و در خاتمه نقدهای حکمت متعالیه نسبت به شک و یقین در آرا ویتگنشتاین مورد ارزیابی این رساله واقع خواهد شد.

### ۳- سوالهای اصلی تحقیق:

۱- نسبت میان شک و یقین در معرفت‌شناسی ویتگنشتاین چگونه تبیین می‌شود؟

۲- از نظر ویتگنشتاین چگونه می‌توان به یقین دست یافت؟

۳- با توجه به مبانی حکمت متعالیه چه نقدهایی را می‌توان به روش ویتگنشتاین در تحلیل نسبت میان شک و یقین وارد کرد؟

### ۴- فرضیه‌های اصلی تحقیق:

۱- از دیدگاه ویتگنشتاین شک و یقین در چارچوب زبانی خاص شکل می‌گیرد که در آن نمی‌توان آن دو را از یکدیگر تفکیک داد.

۲- از دیدگاه ویتگنشتاین بدون داشتن یقین امکان شک وجود ندارد.

۳- اگرچه تحلیل ویتگنشتاین درباره عدم امکان شک از نظر نتایج با دیدگاه حکمت متعالیه سازگار است، اما روش وی در تحلیل این مساله با مبانی معرفت‌شناسی حکمت متعالیه سازگار نیست. (برای مثال، ویتگنشتاین شک و یقین را بر اساس بازی زبانی تبیین می‌کند، در حالی که از منظر حکمت متعالیه شک و یقین ارتباطی به بازی زبانی ندارد و خارج از چارچوب زبان مورد تحلیل قرار می‌گیرد.)

### ۵- سوابق پژوهشی موضوع:

در مورد سوابق پژوهشی باید متذکر شویم، اگرچه کارهای بسیاری از جنبه‌های مختلف نسبت به شک و یقین و کارهای ویتگنشتاین صورت گرفته و مقالات گسترده‌ای به انجام رسیده که برای مثال از کارهای صورت گرفته می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

#### ۱- بررسی تطبیقی یقین در فلسفه اسلامی و فلسفه معاصر غرب

رمضان علی تبار فیروزجایی

استاد راهنما: محسن جوادی

مشاور: امیرعباس علی زمانی

دانشگاه قم دانشکده الهیات و معارف اسلامی

که در آن از میان فیلسوفان مسلمان به شهید صدر اشاره شده، اما در آن نامی از صدرالمتألهین ذکر نشده است. این رساله شامل مفهوم شناسی یقین و انواع یقین در فلسفه غرب اشاره کرده است و بخشی را به بحثهایی در مورد یقین در قرآن و روایات اختصاص داده است و به سیر تاریخی یقین از ابتدا تا دوران جدید در غرب پرداخته و از میان فیلسوفان غرب بیشتر به دکارت و لاک اشاره شده و در مورد ویتگنشتاین ملاحظات مختصری به چشم می خورد.

۲- *ابژکتیویته معرفت شناختی از دیدگاه ویتگنشتاین* که رساله مینو حجت می باشد که در این رساله به بازسازی معرفت شناسی ویتگنشتاین بر اساس کتاب درباب یقین پرداخته و پس از بررسی نظریه ی معرفت شناسی ویتگنشتاین می کوشد تا دید او را نسبت به مساله ی عینیت را واشکافد.

۳- *باور دینی در اندیشه ی ویتگنشتاین* که توسط عطیه زندیه نگاشته شده و در آن به آرا دینی ویتگنشتاین اشاره شده است. اما در مورد موضوع مورد نظر یعنی شک و یقین در آرا ویتگنشتاین و نقد آن از منظر حکمت متعالیه تا کنون کاری صورت نگرفته است.

## ۶- بیان روش و مراحل انجام تحقیق:

روش در این تحقیق اسنادی - کتابخانه ای ست و تلاش شده است از طریق توصیف و تحلیل متون اصلی و دست اول و متون فرعی و دست دوم به بسط و تبیین موضوع پرداخته شود. و بیشتر بر روی کتابهای اصلی خود ویتگنشتاین علی الخصوص رساله منطقی- فلسفی، پژوهشهای فلسفی و کتاب درباب یقین تکیه فراوان شده است.

## ۷- نگاهی بر فصلهای تحقیق:

این رساله مشتمل بر چهار فصل می باشد: فصل اول به کلیات اختصاص یافته، که در آن به روند تاریخی شک و یقین و تقسیمات مهمی که از شک و یقین صورت گرفته پرداخته شده است. در فصل دوم به اندیشه های ویتگنشتاین متقدم نسبت به شک و یقین پرداخته شده، ویتگنشتاین در دوره اول اندیشه فلسفی اش با ساخت یک نظام فلسفی بر پایه منطق، هدفی که در پی آن بود، حدود جهان، اندیشه و زبان و به بیانی دیگر تعیین مرز معناداری و بی معنایی بود. ویتگنشتاین